

آن تکنون للمفاجأة

طرح بحث: کتاب مغنی
مشمتمل بر هشت باب است
که باب اول آن درباره
مورد از مفردات بحث 104
می کند که چهار تک از
آنها خوانده شد که عبارت
بودند از همزه، آ، اجل، اذ
و هم اکنون پنجمین از
مفردات را آغاز می نمایم

إِذَا
وجوه استعمالی
علی وجهین

الثانی: آن تکنون
لغیر المفاجأة

معنی اذای فجائیة
دلالت بر وقوع ناگهانی ما بعد هنگام انجام فعل ما قبل می کند

فختصن بالجمل الاسمية
نکته از دماینی: در این باره سه قول وجود دارد
این هشام و رضی و اشعونی و مشهور: اختصاص به جمله اسمیه دارد جهت فرق با اذای شرطیه
کسانی: می تواند هم بر اسمیه داخل شود و هم بر فعلیه
اخفش و عباس حسن در النحو الوافی ج 2 ص 263: می تواند بر اسمیه و بر فعلیه ای که قد بر سرش آمده باشد وارد شود

و لا تحتاج لجواب
و لا تقع فی الابتداء
و معناها الحال باعتبار ما قبلها

مثال
(نحو): فَأَلْقَاهَا فَبِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى(طه / ٢٠)
نکته از النحو الوافی ج 2 ص 263: فانی که بر سر اذای فجائیة می آید فاء زانده است

و هی حرف عند الأخفش
قائلین به حرقت
قول النحو الوافی و رضی نیز همین است؛ قال الرضی: الأولى القول بحرقة كلمتی المفاجأة كما هو مذهب ابن بزی لشرح کافیه ج 3 ص 199
مرجع قول اخفش
«و یرجحه قولهم: «خرجت فإذا إن زیداً بالباب» بکسر «إن»
این که گفت بکسر إن به خاطر این است که اگر آن مفتوحه باشد می تواند مابعدش در ماقبلش عمل کند زیرا إن صدارت طلب نیست به خلاف إن بالکسر
توضیح: اگر اذای فجائیة حرف نباشد باید ظرف باشد و ظرف نیز نیاز به متعلق دارد در حالی که در این مثال نه ماقبل فاء می تواند در مابعدش عمل کند و نه مابعد إن در ماقبلش پس اذا در امثال این مثال بی متعلق می ماند

و ظرف مکان عند المبرد
قول تمام کوفین همان قول مبرد است لرضی ج 3 ص 194
در این صورت اذا خیر برای اسم مابعدش می شود مثلا در مثال خرجت فإذا الأسد: الاسد مبتدای مؤخر و اذا خیر مقدم است یعنی اسد در آن مکان بود
دماینی: این قول، قول ریاضی و ابن طاهر و ابن خروف و مبرد و سیویه و رماتی است
بنابر این قول تقدیر مثال خرجت فإذا الأسد بالباب اینگونه است: خرجت فقی الوقت استقرار الاسد بالباب؛ باید بر سر اسد، مصدری را در تقدیر بگیریم زیرا اخبار اسم زمان از اسم عین جازز نیست

و ظرف زمان عند الزجاج
از دیدگاه زمخشری
و زعم [الزمخشری] أن عاملها فعل مقدر مشتق من لفظ المفاجأة، قال فی قوله: **تعالی: (ثُمَّ إِذَا دَعَاكَ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ) (الروم / ٢٥) إن التقدير إذا دعاکم فاجأتكم الخروج فی ذلک الوقت و لا يعرف هذا لغیره**
نکته: عبارت زمخشری در کشف ج 3 ص 202 اینگونه است: و تقدیره: ثُمَّ فاجأتکم وقت کونکم بشرا مشترین ظاهر عبارت زمخشری در کشف این است که ایشان اذا را مفعول به برای فعل مقدر فاجأتکم می دانند نه ظرف زمان پس ظاهراً نقل ابن هشام از ایشان صحیح نیست اما اشکال قول زمخشری این است که اذا ظرف غیر متصرف است و نمی تواند مفعول به واقع گردد لرضی ج 1 ص 273

عامل اذا بنابر قول سوّم
در صورت ذکر خبر بعد از اذا
و إنما ناصبها عندهم الخبر المذكور فی نحو: **«خرجت فإذا» «زید جالس»**
اشکال دسوقی به ابن هشام: این کلام به صورت مطلق صحیح نیست زیرا اگر بعد از اذا، إن ذکر گردد نمی تواند خبری که ما بعد إن آمده در اذا عمل کند بلکه باید فعل مفاجأة در تقدیر گرفته شود؛ تقدیر مثال خرجت ففاجأت الاسد فی ذلک الوقت

عامل اذا بنابر قول سوّم از دیدگاه غیر زمخشری
در صورت عدم ذکر خبر بعد از اذا
جائز الوجهین
ظرف زمان و متعلق به خبر مقدر
خبر و متعلق به افعال عموم
و إذا قدرت آنها مستقر «أو» «استقر»
أو [ناصبها الخبر] المقدر فی نحو: **«فإذا الأسد»** أی: حاضر
إذا و لم يقع الخبر معها فی التنزیل إلا مصرحاً به، نحو: **(فإذا هی شاخصة ابصار الذین کفروا الانبیاء / ٩٧)**
در صورت رفع جالس
و نصب علی الخبریة، و «إذا» نصب به
و النصب علی الحالیة و الخبر «إذا» إن قیل: بانها مکان
و [إی] إن لم یقل بانها مکان [فهو] أی الخبر [محذوف]
نعم يجوز أن تقدرها خبراً عن الجثة مع قولنا: إنها زمان إذا قدرت حذف مضاف کان تقدر فی نحو: «خرجت فإذا الأسد»: فإذا حضور الأسد

نکته و اختار الأوّل ابن مالک، و الثانی ابن عصفور، و الثالث الزمخشری

و: إذا قیل «خرجت فإذا» «الأسد»
صح کونها عند المبرد خبراً، أی: **فبالحضرّة الأسد**
و لم یصح [کونها خبراً] عند الزجاج؛ لأن الزمان لا یخبر به عن الجثة
و لا [یصح کونها خبراً] عند الأخفش [قالا بحرقتیها]، لأن الحرف لا یخبر به و لا عنه

تطبیق اقوال بر چند مثال
نکته: در این مثال اسم مذکور بعد از اذا اسم معنی است و خبری بعدش ذکر نشده است
[صححت خبریتها عند غیر الأخفش] لأنه قائل بحرقتیها

و نقول: خرجت فإذا زید جالس أو [خرجت فإذا زید] جالساً
در صورت رفع جالس
در صورت نصب جالس
فالقرفع علی الخبریة، و «إذا» نصب به
و النصب علی الحالیة و الخبر «إذا» إن قیل: بانها مکان
و [إی] إن لم یقل بانها مکان [فهو] أی الخبر [محذوف]
نعم يجوز أن تقدرها خبراً عن الجثة مع قولنا: إنها زمان إذا قدرت حذف مضاف کان تقدر فی نحو: «خرجت فإذا الأسد»: فإذا حضور الأسد